

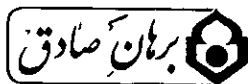
ستاره درخشان یا نجم الثاقب

در احوال امام غائب عجل الله تعالی فرجه

میرزا حسین طبرسی نوری

برهان صادق

سرناسه	:	توری، حسین بن محمدتقی، ۱۲۵۴ - ۱۳۲۰ ق.
عنوان و نام پدیدآور	:	ستاره درخشان، یا، نجم الثاقب در احوال امام غائب عجل الله تعالی فرجه الشریف/ حسین طبرسی نوری
مشخصات نشر	:	تهران: انتشارات برهان صادق، ۱۳۹۱.
مشخصات ظاهری	:	۶۶۶ ص.
وضعیت فهرست نویسی	:	فتیبا
عنوان دیگر	:	... نجم الثاقب: مشتمل بر احوال امام غائب حضرت بقیه الله صاحب العصر و الزمان عجل....
موضوع	:	محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق -
موضوع	:	مهدویت
رده بندی کنگره	:	۱۳۹۱ ن ۶۵۱/۵۶۵
رده بندی دیویی	:	۲۹۷/۹۵۹
شماره کتابشناسی ملی	:	۳-۲۳۱۷۶



☐ ستاره درخشان یا نجم الثاقب (در احوال امام غائب عجل)

☐ میرزا حسین طبرسی نوری

☐ چاپ اول: ۱۳۹۱

☐ قطع و تعداد صفحات: ۶۶۶ صفحه وزیری

☐ شمارگان: ۵۰۰ نسخه

☐ بها: ۳۳۵۰۰ تومان

☐ شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۷۶۱-۶۳-۳

☐ توجه: به موجب قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸/۱۰/۱۱ و همچنین قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی مصوب ۱۳۵۰ کلیه حقوق این اثر به هر نحو برای انتشارات برهان صادق محفوظ می باشد. هر کس تمام یا قسمتی از این کتاب را بدون اجازه، نشر یا پخش یا عرضه کند، مورد پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت.

فهرست

۷	مقدمه و پیشگفتار
۱۹	باب اول
۴۵	باب دوم
۱۱۱	باب سوم
۱۵۱	باب چهارم
۱۹۵	باب پنجم
۲۴۷	باب ششم
۲۷۳	باب هفتم
۵۴۹	باب هشتم
۵۵۹	باب نهم
۵۶۷	باب دهم
۶۱۹	باب یازدهم
۶۴۵	باب دوازدهم

مقدمه و پیشگفتار

سپاس بیرون از اندازه و قیاس، سزاوار قائمی است بالذات، غایب از عالم اندیشه و حواس و ستایش بی حد و احصا، لایق صاحبی است ماعمول و مرتجی، در زمان شدت و رخاء. هادی است هر آنچه را که پدیدار نموده و دلیل است مر آن را که به فرمانش عمل نمود و درود بی نهایت به روان پاک نخستین پاسخ دهنده به بلی و برگزیده ایزد بیچون، پیش از پوشیدن بر آدم، خلعت اصطفارا، فاتح ابواب خیر و رشاد، خاتم رسولان پاک نهاد، منصور مؤید، محمود احمد، ابی القاسم محمد صلی الله علیه و آله و بر پاکان و پاکیزگان از فرزندان آن سرور پیمبران، خصوصاً بر خلف سلف و صاحب غالیه عزت و شرف، قطب زمین و غوث زمان، کنز رجا و کشف امان و گوهر تابان در بحرامکان، حجاب ازلی ایزد سبحان و اسم اعظم الهی پوشیده و پنهان و عنقای قاف، محیط به جهان، داور در ماندگان و دادخواه خون برگزیدگان و پاک کننده دامن خاک از لوث ملحدان و فرمانفرمای ممالک زمین و آسمان و حجت بالغه خداوندی بر جهان و جهانیان بقیه الله، الحجة بن الحسن العسكري، صاحب العصر والزمان علیه و علی آباءه صلوات الله الملك المئان.

و بعد چنین گوید: بنده مذنب مُسیء، حسین بن العالم المؤید، محمد تقی النوری الطبرسی أَحْسَنَ اللَّهُ تَعَالَى عَاقِبَتَهُ وَجَعَلَ مِنْ أَشْرَفِ الْخَوَاتِمِ خِاتَمَتَهُ که عالیجاه، رفیع جایگاه، کمالات اکتناه، مقرب الخاقان، حاجی میرزا حسینعلی خلفِ غفران پناه، حاجی علی اصغر نوری وَفَّقَهُ اللَّهُ تَعَالَى لِمَرَاذِيهِ حسب سلامتی فطرت و پاکی طینت، در فکر تحصیل زادی برای معاد و وسیله فوزی، در مقام مرصاد برآمد، چنان دید که وسیله ای بهتر از چنگ

زدن به دامن خلیفه الرحمن و امام الانس و الجان علیه السلام و خدمتی به آن ولی علی القدر عظیم الشان نیست.

لهذا در چند ماه قبل، از جناب مستطاب فخر الشیعه و تاج الشریعه و رئیس المسلمین و سید الفقهاء الکاملین و افضل العلماء الراشدين، المنتهی الیه ریاسة الامامیه فی عصره، حجة الاسلام حاج میرزا محمد حسن شیرازی، مجاور بلدة طيبة سر من راءى متع الله تعالی اهل الايمان بطول بقائه، مستدعی شد که مقرر فرمایند تا کتاب شریف (کمال الدین)، شیخ اقدم، (ابو جعفر محمد بن علی بن بابویه) ملقب به (صدوق) رضوان الله علیه را به زبان فارسی ترجمه کرده تا آن را به حلیه طبع درآورد و در میان اهل ایمان منتشر سازد. جناب ایشان دام ظلّه العالی از این اجتر، در اجابت آن مسئول، مشورت فرمودند.

معروض داشتم که: عالم فاضل، (سید علی بن سید محمد اصفهانی) معروف به (امامی)، تلمیذ (علامه مجلسی) آن کتاب را ترجمه نموده و از اجزای کتاب هشت بهشت اوست که ترجمه هشت کتاب است. چون: عیون و امالی و خصال.

و نیز بعضی از فضایل معاصرین از سادات شمس آباد اصفهان، کتاب شریف مذکور را ترجمه نموده و ترجمه دوباره آن را جی است بی فایده، بهتر آنکه همان را منتشر نمایند.

پس، از آن خیال منصرف شدند و از کتاب دیگر صحبت داشتند. سخن به جایی منتهی نشد و مدتی بر این گذشت تا در ماه شعبان گذشته، از سنه ۱۳۰۳ شبی در محضر ایشان حاضر بودم که سخن آن مطلب در میان آمد و باز جویای موردی شدند و بالاخره فرمودند: (بهتر آنکه مستقلاً در این باب، کتابی نوشته شود و شخص تو از برای این خدمت نمایان، شایسته هستی.) اما حقیر به علت قلت بضاعت علمی و کثرت اسباب پریشانی و حاضر نبودن بیشتر کتابهایی که اسباب انجام این شغل عظیم بود، عرض کردم: (مقدمات اقدام در این امر خطیر فراهم نیست و لکن سال گذشته رساله‌ای مسمی به (جنة الماءوی) نوشتم و در آنجا، جمع کردم کسانی را که در غیبت کبری به خدمت امام عصر علیه السلام رسیدند، غیر از آنچه در سیزدهم بحار مذکور است؛ چنانچه صلاح باشد همان را به فارسی ترجمه کرده، موجود در بحار را بر آن بیفزایم؛ کتابی شود لطیف و برآمدن از عهده آن آسان.)

این راءى را پسندیدند و لکن فرمودند: (اقتصار بر آن نشود. شمه‌ای از حالات آن جناب نیز به آن منضم شود، هر چند به ایجاز و اختصار باشد.)

حسب الامر المطاع العالی، در انجام این خدمت اقدام نموده با نهایت یأس از حال

خویش، جز آنکه حق مجاورت قباب عالیّه حضرتین علیهما السلام را وسیله کنم و از آن باب عالی استمداد نمایم.

بحمدالله، از برکت آن محل، برکات الهیّه، در اندک زمانی، این خدمت مرجوعه به انجام رسید. شکر حضرت یزدان، جلّ ثناؤه را بجای آوردم. و نام این نامه گرامی را نجم الثاقب در احوال امام زمان علیه السلام گذاشتم و مطالب آن را در ضمن دوازده باب بیان نمودم.

معرفی کتب غیبت و نویسندگان آنها

قبل از شروع در فهرست اجمالی ابواب و دخول در مطالب کتاب، بایست تنبیه نمود بر مقدمه. و آن، آن است که کتب متعلّق به احوال آن حضرت صلوات الله علیه که معروفند به (کتب غیبت)، بسیار است و آنچه حاضر الوقت از اسامی آنها به نظر رسیده:

- کتاب شفا و جلا در غیبت از ابوالعباس یا ابوعلی، احمد بن علی رازی خصبی آبادی.
- کتاب مختصر ما نزل من القرآن فی صاحب الامر علیه السلام از ابو عبدالله، احمد بن محمد بن عیاش.
- کتاب ترتیب الادله فیما یلزم خصوص الامامیه دفعه عن الغیبه والغایب از احمد بن حسین بن عبدالله مهرانى آبی ابوالعباس عروسی.
- کتاب فی ذکر القائم من آل محمد علیهم السلام از احمد بن رمیح المروزی.
- کتاب المهدی از ابی موسی، عیسی بن مهران.
- کتاب غیبه از حسن بن حمزه العلوی الطبری المرعشی.
- کتاب اثبات الرجعة معروف به (غیبت) از ابی محمد، فضل بن شاذان نیشابوری.
- کتاب الحجّة فی ابطاء القائم علیه السلام از آن جناب.
- کتاب ازالة الزّان عن قلوب الاخوان در غیبت، از ابوعلی، احمد بن محمد بن جنید معروف به ابن جنید.
- کتاب کمال الدین از شیخ صدوق.
- رساله غیبت برای اهل ری از آن جناب.
- کتاب غیبت از شیخ جلیل، محمد بن مسعود عیاشی، صاحب تفسیر.
- کتاب رجعت نیز از او.
- کتاب غیبت از ابی عبدالله، محمد بن ابراهیم نعمانی و تملیذ ثقة الاسلام کلینی و این

- کتاب، از نفایس کتب مدوّنه در این باب است.
- شیخ مفید در (ارشاد) از آن مدح کرده و چنان ظاهر می‌شود که قبل از آن، بهتر از آن، تصنیفی در این باب نشده.
- رساله غیبت از شیخ مفید.
- کتاب مقنع در غیبت از سید مرتضی که برای وزیر مغربی نوشته.
- کتاب غیبت از شیخ الطایفه، ابی جعفر طوسی.
- کتاب برهان در طول عمر صاحب الزمان علیه السلام از ابوافتح، محمد بن علی بن عثمان و علامه چکی آن را جزو کتاب کتزالفوائد خود کرده.
- کتاب صاحب الزمان علیه السلام از محمد بن جمهور عمی، صاحب کتاب واحده.
- کتاب وقت خروج قائم علیه السلام نیز از او.
- کتاب فرج کبیر در غیبت از ابو عبدالله، محمد بن هبة بن جعفر وراق طرابلسی.
- کتاب غیبت از ابوالمظفر، علی بن حسین حمدانی که از سفراء امام علیه السلام است، چنانچه شیخ متعجب الدین در رجال خود فرموده.
- کتاب توقیعات غیبت از عبدالله بن جعفر حمیری.
- کتاب جنا الجنّین، فی ذکر ولد العسکریّین علیهما السلام از قطب راوندی.
- کتاب سلطان الفرّج عن اهل الایمان، کتاب سرور اهل الایمان فی علائم ظهور صاحب الزمان علیه السلام و کتاب غیبت هر سه از نباء الدّین، علی بن عبدالکریم بن عبدالحمید حسینی نبلی جعفری، صاحب مقامات و کرامات و استاد ابن فهمد.
- بعضی احتمال داده‌اند که دو کتاب اخیر، یکی باشد اما این که شیخ حرّ عاملی در (امل الامل) در احوال سید مذکور، فرموده که از تصانیف او انوار المصیّئة است در احوال مهدی علیه السلام، اشتباه است. چه انوار المصیّئة فی الحکمة الشرعیة از کتبی است که نظیر ندارند؛ مشتمل است بر جمیع مسایل اصول دین و مذهب و ابواب فقه و اخلاق و ادعیه و غیرها. اگر چه احوال آن جناب را در مجلد اول، در ضمن حالات سایر ائمّه علیهم السلام بسطی داده، لکن کتاب، اختصاصی ندارد به آن حضرت.
- کتاب بحار الانوار مجلد سیزدهم که اجمع کتبی است که در غیبت نوشته شده. رساله رجعت نیز از آن مرحوم.
- کتاب کفایة المهدّی، فی احوال المهدی از سید محمد بن محمد لوحی حسینی

موسوی سبزواری، ملقب به مطهر و متخلص به نقیبی، تملیذ محقق داماد و بیشتر آنچه در آن کتاب نقل کرده، از کتاب فضل بن شاذان است که اولاً خبر را با سند و متن نقل کرده، آنگاه ترجمه نموده و نیز غیبت شیخ طرابلسی و غیبت حسن بن حمزه مرعشی در نزد او بوده و ما آنچه از این سه کتاب نقل کنیم به توسط این کتاب است. رساله شرعة التسمیة از محقق داماد رحمه الله.

- رساله کشف التعمیة فی حکم التسمیة از شیخ محدث حرّ عاملی.
- کتاب ایقاظ الہجۃ فی اثبات الرجۃ نیز از آن مرحوم.
- رساله رجعت از امیر محمد مؤمن استرآبادی از مشایخ اجازه علامه مجلسی.
- رساله در تحریم نام بردن اسم امام زمان علیه السلام از عالم محقق نحیر، شیخ سلیمان ماحوزی بحرانی.
- رساله فلک المشحون از جناب سید باقر قزوینی.
- کتاب مولد قائم علیه السلام، کتاب محجة فیما نزل فی الحجۃ علیه السلام و کتاب تبصرة الولی فیمن رآی القائم المہدی علیه السلام هر سه از محدث خیر، سید هاشم توبلی بحرانی.
- کتاب عوالم مجلد از آن کتاب غیبت، فاضل آقا آخوند ملا کاظم هزار جریبی، و آن مختصری است از ترجمه بحار یا ترجمه ای است از مختصر بحار.
- رساله جنة الماء وی فیمن فاز بقاء الحجۃ علیه السلام فی النیبة الکبری از حقیر و آن به منزله مستدرکی است از باب بیست و سوم جلد غیبت بحار، ترجمه سیزدهم بحار و ترجمه کمال الدین.
- رساله غیبت از سید جلیل، سید دلدار علی نقوی هندی نصیر آبادی که از فحول علمای آن بلاد بود و صاحب تصانیف رافقه بسیار و از جناب بحر العلوم رحمه الله اجازه دارد و این رساله، رداست بر اقوال عبدالعزیز دهلوی در غیبت آن جناب صلوات الله علیه و غیر آنها از مؤلفات که بعضی، دارای تمام حالات آن جناب است به قدر استعداد مؤلف و بعضی در تنقیح بعض از امور متعلقه به آن حضرت صلوات الله علیه. بالاین همه تصانیف، باز جمله ای از مطالب مربوط به آن جناب، در روایات کتب اصحاب مانده که تاکنون در کتب غیبت، جمع نشده و چون این حقیر بی بضاعت، بنای استقصای مطالب موجوده در آن کتب را ندارم، لهذا به بعضی از مستطرفات حالات و نوادر امور منسوبه

به آن جناب و تنظیم بعضی از مطالب موجوده در آن کتب پرداخته، امید که بر اهل فضل و دانش، محاسن و منافع و لطایف و بدایع آن، مخفی و مستور نماند. وبالله التوفیق و علیه التکلیل.

فهرست اجمالی

مطالب ابواب کتاب به نحو اجمال به جهت سهولت پیدا کردن هر مطلبی در بابش.
باب اول: در ذکر شمه‌ای از حالات ولادت با سعادت آن جناب صلوات الله علیه نظم و ترتیب بدیعی که متضمن باشد مضامین غالب اخبار آن باب را با ذکر ماء خذ و حذف مکررات و اجمالی از حال حکیمه خاتون سلام الله علیها.

باب دوم: در ذکر اسامی و القاب و کنیه‌های آن حضرت علیه السلام که از صریح و فحوای کتاب و سنت و تصریح روایات و محدثین و علمای رجال و غیرهم به دست آمده و آن یکصد و هشتاد و دو اسم است و اسم بر هر سه اطلاق میشود، چنانچه بیاید در باب چهارم.

باب سوم: مشتمل بر دو فصل:

فصل اول در شمایل آن جناب

با استقصای نام و ایجاز در کلام.

فصل دوم در خصایص آن جناب و الطافات خاصه الهیه که به آن حضرت علیها السلام شده یا خواهد شد بالنسبه به جمیع انبیاء و اوصیاء گذشته علیهم السلام یا بالنسبه به اکثر ایشان که معدودی در بعضی از آنها با آن جناب شرکت دارند و آنچه مذکور می شود از آنها در اینجا چهل و شش است.

باب چهارم: در ذکر اختلاف مسلمین در آن جناب، بعد از اتفاق ایشان در صحت صدور اخبار نبویه بر تَحْتَم آمدن شخصی در آخر الزمان، همنام آن حضرت و ملقب به مهدی علیها السلام که پر کند دنیا را از عدل و داد و ذکر کتب مؤلفه از اهل سنت در احوال آن جناب و محل اختلاف در چند جا است:

اختلاف اول در نسب که آن جناب از فرزندان کیست؟ و در آن چهار قول است:

اول آنکه: از اولاد عباس است.

دوم: علوی غیر فاطمی است.

سوم: آنکه حسنی است.

چهارم: آنکه حسینی است و بیان صحبت این قول و ابطال آن سه، به نحو اوفی. اختلاف دوم در اسم پدر آن جناب و در آن دو قول است:

اول: قول امامیه که نام پدر آن جناب حسن علیه السلام است.

دوم: قول بعضی از عامه که نام او عبدالله است و ابطال این قول.

اختلاف سوم در تشخیص و تعیین آن جناب و در آن ده قول است:

اول: قول کسانی که محمد بن حنفیه است یا پسر او.

دوم: قول مغیره که محمد بن عبدالله بن حسن بن حسن علیه السلام است.

سوم: اسماعیلیه خالصه که اسماعیل پسر حضرت صادق علیه السلام است.

چهارم: نادوسیه که حضرت صادق علیه السلام است.

پنجم: مبارکیه که محمد بن اسماعیل بن امام جعفر صادق علیه السلام است.

ششم: واقفیه که حضرت کاظم علیه السلام است.

هفتم: عسکریه که حضرت عسکری علیه السلام است.

هشتم: محمدیه که ابو جعفر محمد بن علی الهادی علیه السلام است.

نهم: امامیه که خلف صالح، حجة بن الحسن العسکری علیه السلام است.

دهم: جمهور اهل سنت که مهدی را در کسی تعیین نکنند و در آنجا ذکر نمودیم اسامی بیست نفر از علمای ایشان را از فقها و محدثین و عرفا که با امامیه در این مطلب موافقت با ذکر کلمات آنها و مدح و توثیق ایشان از علمای جال ایشان و حدیث مسلسل شیخ بلادری معروف که از خود آن حضرت روایت کرده و ذکر کرده شبهه ای از شبهات اهل سنت را بر امامیه در این مقام و جواب آنها به نحوی که در کمتر کتابی جمع شده و نیز در آنجا ابطال نمودیم قول شاذی را که فرزندان امام حسن علیه السلام وفات کرده.

باب پنجم: در اثبات نمودن مهدی موعود همان حجة بن الحسن العسکری علیه السلام از روی نصوص اهل سنت

و از آنها سی حدیث ذکر شده و نصوص امامیه، زیاده بر آنچه علامه مجلسی در جلد نهم و سیزدهم بحار نقل فرموده و آنها چهل حدیث با سند نقل شده و بیشتر آنها از کتب (غیبت) فضل بن شاذان است.

باب ششم: در اثبات دعوائی مذکوره از روی معجزات صادره از آن جناب زیاده از آنچه در ابواب دیگر متفرقا ذکر می شود و از غیر کتبی که علامه مجلسی ره از آنها

نقل فرموده و از آنها چهل معجزه نقل نمودیم.

باب هفتم: در ذکر آنان که در غیب کبری خدمت آن جناب رسیدند یا بر معجزه آنبزرگوار واقف شدند. اثر اثری از آثار دالّه بر وجود آن جناب که عمده غرض از تاءلیف این کتاب بود، در آنجا صد حکایت ذکر شده است. و قبل از شروع در آنها، ذکر شده نام آنان که در غیبت صغری خدمت آن جناب مشرف شدند یا واقف شدند بر معجزه‌ای و در ذیل بعضی از آنها مطالب نفیسه مناسبه درج شده است.

چنانچه در ذیل اول، کیفیت نماز منسوب به امام عصر علیه السلام از برای شداید و حاجات و حال مسجد جمکران در قم که به امر آن حضرت بنا شده، ذکر شده. و در دوم که قصه شهرهای فرزندان آن حضرت است، اثبات شده بودن عیال و اولاد برای آن جناب و امکان وجود چنین بلاد در همین ارض در بَر یا بحر و مستور بودن آن از انظار، حتی از عبورکنندگان به آنجا و وقوع نظایر آن، به نحو اختصار و در ذیل سی و هفتم که قصه جزیره خضر است این مطلب، مشروحاً بیان شده. و در پنجم، اجمال احوال شیخ محمد، پسر اسماعیل هرقلی که زخم رانش را در سامره، حضرت شفا داد.

و در ششم، ذکر یکی از رقااع استغاثه به آن حضرت که قلیل الوجود است. و در هفتم، تحقیق حال نرَمی کفِ مبارک آن حضرت و حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله ۲ یا درشتی و غلظت آن و اختلاف شراح احادیث در قرائت (شتن الکفین) که در خبر شمایل است که باتای قرشت است یا تاء ثخذ.

در دهم، توضیح آنکه شارع ترّدات کتاب شرایع، محقق رهدری است. و در یازدهم، بیانی از الطاف خفیه و هدایات خاصه الهیه شده و ذکر اسامی معروفین از بنی طاووس که ارباب تصانیف اند.

و در ذیل نوزدهم، اشکال در خبر معروف اللهم شیعتنا منّا الخ و کلام شیخ رجب بررسی. در بیستم، شرح نسبت هر روز از ایّام هفته به امامی و کیفیت نماز هدیه که باید برای رسول خدا صلی الله علیه و آله و آئمه علیهم السلام کرد و ترتیب آن در ایّام هفته و ذکر تسبیح امام عصر علیه السلام که باید از روز هجدهم هر ماه خواند تا آخر ماه.

و در بیست و دوم، ذکر تسبیح امام عصر علیه السلام به سید رضی الدین آوی داد. و در بیست و هفتم، اشاره به این که وجود اماکن شریفه مانند مشاهد و مساجد و مقابر امام

زادگان و صلحا و مواضعی که یکی از حجج طاهره در آنجا قدم گذاشتند در بلاد، از نعم سنّیه الهی است.

و در بیست و هشتم، ذکر دعای معروف که باید در ماه رجب و مسجد صمصعه خواند.
و در سی ام، ذکر چند دعا که معروفند به دعای فرج.
در سی و یکم، ذکر خبر ثواب زیارت ابی عبدالله علیه السلام در شب جمعه که امام عصر علیه السلام حکم به صحت آن فرمودند.

و در سی و هفتم که قصه جزیره خضراست، بیان اعتبار سند آن و حال فضل بن یحیی، راوی آن و ذکر یارهای نظایر آن و کلمات اشعریه در اماکن و جودا غرب از آن و اجمالی از حال جابلسا و جابلقا و حکم بیستم امام عصر علیه السلام از خمس، در ایام غیبت و تکلیف آنکه به دستش می افتد و سیره و سلوک امام زمان علیه السلام در غذا و لباس.

در سی و هشتم، اجمالی از حال جناب میرزا محمد تقی الماسی.
و در پنجاه و یکم، ذکر بعضی از احجار که اسم امامی در آن منقوش شده بود.
و در پنجاه و دوم و سوم ترجمه توفیقات که برای شیخ مفید رحمه الله رسید و بیان عدد و اعتبار آنها و عذر عدم تعرض ذکر علامات و آیات ظهور در این کتاب.

در شصت و چهارم، بیان اختلاف نسخ صحیفه کامله.
و در شصت و پنجم، ذکر بعضی از روایات صحیفه کامله.
و در شصت و ششم، ذکر کرامتی از شیخ محمد پسر صاحب معالم.
و در هفتادم، اختلاف نسخ زیارت جامعه و فضیلت عجیه از زیارت عاشورا.
و در نود و دوم، اشاره به بعضی از مقامات عالیّه صاحب کرامات، جناب سید باقر قزوینی اعلی الله مقامه.

و در نود و ششم، اجمالی از احوال سید الفقها، جناب سید مهدی قزوینی حلی، برادر زاده آن مرحوم.

در ذیل حکایت و در ذیل حکایت صدم، ذکر شبهه و استبعاد مخالفین در طول عمر امام زمان علیه السلام و ذکر بعضی از کلمات آنها و جواب از آنها مشروحاً و ذکر عبود که صاحب قاموس گفته که او هفت سال در صحرا خوابید و ذکر کلمات و شمه‌ای از تکالیف جماعتی از اهل سنت که دعوای رؤیت آن جناب را کردند در ایام غیبت و ذکر جمله‌ای از معمرین و حدیث غریبی در حال دجال که از اخبار صحیحیه ایشان است و حکایت عجیبی از الیاس نبی علیه السلام و شرح

حال معمر مغربی و سبب طول عمر او و بیان رفع توهم تعدد در او و بیان جواز طول عمر به قواعد نجومیه و بعضی فواید طریقه و مراد از خرابات در حکایت شصت و ششم.

باب هشتم: در جمع بین حکایات و قصص مذکوره و آنچه رسیده در اخبار که باید مدعی و یت را در غیبت کبری تکذیب نمود و بیان وجوب صرف آن اخبار از ظاهر خود و ذکر پنج وجه برای آنها از کلمات علما و مطاوی اخبار ظاهر می شود و ذکر تصریح جمعی از اعلام به امکان رؤیت در ایام غیبت و بعضی از کلمات سید جلیل علی بن طاووس که ظاهر است در دعوی در این مقام برای نفس خود.

باب نهم: در عذر داخل نمودن چند حکایت از درماندگان در بیابان و غیر آنها در ضمن حکایات سابقه با بودن شاهی در آنها برای آنکه آن نجات دهنده و فریادرس، امام عصر علیه السلام بوده؛ چنانچه سایر علما ذکر کردند و بیان آنکه به هراممی برای کدام حاجت باید متوسل شد و اثبات آنکه آغاثة ملهوفین، از مناصب خاصه امام زمان علیه السلام است و ذکر لقب غوث و قطب و کنیه ابوصالح برای آن جناب و کلام شیخ کفعمی در ذکر قطب و اوتاد و ابدال و نجبا و صلحا و توضیح آنکه آن فریادرس و نجات دهنده به نحو خارق عادت یا خود آن جناب است یا از خواص محضر شریف و بر تقدیر نبودن آن شخصیکی از این دو احتمال بودن او یکی از اولیا، باز دلالت کند بر اصل مقصود که وجود آن جناب است.

باب دهم: در ذکر شمه‌ای از تکالیف عباد، بالنسبه به آن جناب و آداب و رسمبندی و عبودیت خلق بالنسبه، به ایام غیبت و از آنها هشت چیز ذکر شده:

اول: مهموم بودن برای آن جناب و برای آن سه سبب ذکر شده.

دوم: انتظار فرج و ثواب فضل آن.

سوم: دعا کردن از برای حفظ آن وجود مبارک و از دعاهای ماثوره مطلقه و موقته، هفتدعا برای این حاجت ذکر شده.

چهارم: صدقه دادن برای سلامتی وجود آن شخص معظم.

پنجم: حج کردن یا حجه دادن برای آن ولی النعم.

ششم: برخاستن از برای تعظیم شنیدن اسم مبارک آن حضرت.

هفتم: دعا کردن از برای حفظ دین و ایمان خود، از شر شبهات شیاطین جن و انس داخلیو

خارجی در ظلمات ایام غیبت و از ادعیه ماثوره هفت دعا برای این مطلب ذکر شده.

هشتم: استمداد و استعانت و استکفا و استغاثت به آن جناب در هنگام شداید و احوال و

کیفیت توسل و یکی از رقااع استغاثه و اشاره به بعضی از مقامات آن جناب در علم و قدرت الهیه و احاطه به رعایا و جهات تشبیه آن جناب در غیبت، به آفتاب زیر سحابو ذکر یکی از توسلات معروفه و مجرب به آن حضرت.

باب یازدهم: در ذکر پاره‌ای از ازمنه و اوقات که اختصاص دارد به امام عصر علیه السلام و تکلیف رعایا در آن اوقات بالنسبه به آن جناب و از آنها هشت وقت ذکر شده:
اول: شب قدر، بلکه بر دو شب معهود.

دوم: روز جمعه.

سوم: روز عاشورا.

چهارم: از وقت زرد شدن آفتاب تا غروب آن در هر روز.
پنجم: عصر دوشنبه.

ششم: عصر پنجشنبه.

هفتم: شب و روز نیمه شعبان.

هشتم: روز نوروز و در ذکر هر یک اعمال و آداب و ادعیه متعلقه به آن و سبب نسبت آنوقت را به آن جناب بیان نمودیم.

و در آخر باب، اشاره شد به اختصاص بعضی از امکنه منسوبه به آن جناب و نیز حضور آن حضرت در تشییع جنازه هر مؤمنی.

باب دوازدهم: در ذکر اعمال و آدابی که شاید بتوان به برکت آنها، به سعادت ملاقات و شرف حضور باهر النور امام عصر صلوات الله علیه رسید، چه بشناسد یا نشناسد، در خواب یا بیداری و اثبات آنکه مواظبت عملی، از کردنیها و گفتنیها، خوب یابد، در چهل روز، سبب تأثیر و افاضه صورتی و انتقال از حالتی است به حالتی. والله العالم.